



Paper type: Research Article

Investigation the Moderating Role of Corporate Governance on the Relationship between Audit Committee and Real Earnings Management

Fatemeh Rahmati baher¹, Yaghoub Pourkarim*²

Received: 2024/08/13

Accepted: 2024/12/24

Abstract

Corporate managers are making an increasing effort to increase their personal interests and achieve a superior position. Nevertheless, companies establish mechanisms to reduce opportunistic behavior and reduce conflict of interest. Therefore, the aim of the present study is to investigation the moderating role of corporate governance on the relationship between the audit committee and real earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. In this regard, 120 companies were selected for the period of 2017-2022. The purpose of applied research and its methodology is post-event type. The combined data approach has been used to test the research hypotheses. Eviews statistical software was used to test research hypotheses. The result of the first hypothesis test showed that there is a negative and significant relationship between the audit committee and real earnings management. In fact, the effectiveness of the audit committee can reduce the company's real earnings management. Also, the result of the second hypothesis test showed that with the moderating role of corporate governance between the audit committee I and real earnings management, there is a negative and significant relationship.

Keywords: Audit Committee, Real Earnings Management, Corporate Governance.



10.71600/jacgr.2024.1129070



How to cite this article: Pourkarim, Y., & Rahmati baher, F. (2024). Investigation the Moderating Role of Corporate Governance on the Relationship between Audit Committee and Real Earnings Management. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 2(6), 113-133. (In Persian)

1. MSc. Student, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Assistant Prof, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

*Corresponding author: pourkarim.y@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی

فاطمه رحمتی باهر^۱، یعقوب پورکریم^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

چکیده

مدیران شرکت‌ها تلاش فزاینده‌ای برای افزایش منافع شخصی و دستیابی به جایگاه برتر انجام می‌دهند. با این وجود، شرکت‌ها مکانیزم‌هایی را جهت کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و کاهش تضاد منافع برقرار می‌کنند. نوظهور بودن و الزام وجود کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی و نقش و ویژگی‌های آن به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های ایرانی موضوع بحث برانگیزی است، این تمایل خصوصاً زمانی که بحث کیفیت سود از طریق اقلام واقعی مطرح است پررنگتر می‌شود چرا که احتمال کشف مدیریت سود از طریق اقلام واقعی کمتر است. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این راستا، تعداد ۱۲۰ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ انتخاب گردید. هدف پژوهش کاربردی و روش‌شناسی آن از نوع پس‌رویدادی است. از رویکرد داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان داد که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. در حقیقت، اثربخشی کمیته حسابرسی می‌تواند موجب کاهش مدیریت سود واقعی شرکت شود. همچنین، نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. در واقع رابطه منفی کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی برای شرکت‌هایی که از حاکمیت شرکتی قوی‌تری برخوردارند تشدید می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی، حاکمیت شرکتی.



10.71600/jacgr.2024.1129070



استناد: پورکریم، یعقوب، و رحمتی باهر، فاطمه. (۱۴۰۲)، بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی، پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۲ (۶)، ۱۳۳-۱۱۳.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. * (نویسنده مسئول): pourkarim.y@gmail.com

مقدمه

توجه به اهمیت ویژه کمیته حسابرسی به عنوان مکانیسم نظارتی حاکمیت شرکتی و پس از رسوایی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و رلدکام و... و پر رنگ شدن نقش حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها در ایالات متحده آمریکا که خاستگاه اصلی رسوایی‌های مالی بودسارینز اکسلی^۱ (۲۰۰۲) تدوین شد در سایر کشورها نیز مانند گزارش‌های هیگز و اسمیت^۲ (۲۰۰۳) در انگلیس، گزارش کمیته دی (۱۹۹۴) در کانادا قوانینی وضع شد. در ایران نیز در سال‌های اخیر با هدف بهبود کیفیت گزارشگری مالی، آیین نامه نظام حاکمیت شرکتی تصویب شده و رعایت آن الزامی شده است. از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ به صورت ضرورت قانونی به شرکت‌های بورس اوراق بهادار اعلام نموده است شرکت‌هایی که تا آن زمان فاقد کمیته حسابرسی بودند ملزم به تشکیل و افشا آن به صورت گزارش کمیته حسابرسی شده اند.

کمیته حسابرسی، از ارکان اصلی نظام راهبری شرکت‌هاست که زمینه تقویت و سلامت گزارشگری مالی را فراهم می‌کند (مداحی و بولو، ۱۳۹۳). در همین راستا، دستورالعمل کنترل‌های داخلی ایران، منجر به صدور ابلاغیه شماره ۱۰۷۴۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹ سازمان بورس اوراق بهادار تهران شد که به موجب آن، هیئت مدیره شرکت‌های عضو بورس را ملزم به تشکیل کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی مطابق با الزامات سازمان کرد. نقش کمیته حسابرسی در نظارت بر کنترل‌های داخلی، به عنوان سازوکار حاکمیت شرکتی، پس از شکست‌ها و رسوایی‌های مالی اخیر، رشد چشمگیری داشته است. از این منظر، کمیته حسابرسی باید بر انجام مسئولیت‌های اطمینان بخشی، شفافیت گزارش‌های مالی و کارآمدی حسابرسان داخلی، تأثیرگذار باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

حسابرسان داخلی برای تدوین یک برنامه حسابرسی داخلی که انعکاس دهنده‌ی شناخت کافی آنان از فعالیت‌های اطمینان بخش نظام راهبری و ایجاد فرصت‌های کافی برای برقراری ارتباط با مدیریت ارشد و هیات مدیره در خصوص اثر بخشی فعالیت‌های مدیریت ریسک می‌باشد، نیازمند چارچوبی جهت ارزیابی حوزه‌های مختلف راهبری شرکتی هستند (المونتی و کوتانی^۳، ۲۰۱۹). نقطه شروع برای حسابرسی داخلی در ارائه خدمات اطمینان بخشی، به دست آوردن درک درستی از شرایطی که سازمان در آن عمل می‌کند، شناسایی ذینفعان کلیدی و نیازهای آن‌ها، و تعیین چگونگی تعریف راهبری سازمان است. در این راستا منشور حسابرسی داخلی باید بیان کننده‌ی این باشد که محدوده کار شامل تمام فعالیت‌ها و فرآیندهای راهبری می‌شود (رحمانی و کدخدایی، ۱۳۹۶). علت انجام و اهمیت حسابرسی داخلی، شناسایی محل‌هایی از منابع مالی است که در حال از بین رفتن بیهوده می‌باشد و به مدیران ارشد مالی جهت جلوگیری و متوقف کردن هر یک از آن‌ها گزارش‌های لازم را می‌دهد حسابرسی داخلی به سازمان کمک می‌کند تا اهداف خود را با اتخاذ رویکردی روش‌مند و منظم برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرایندهای مدیریت ریسک، کنترل داخلی و راهبری شرکتی ایفا کند (باقیان و همکاران، ۱۳۹۹).

مدیریت سود دستکاری عمدی سود برای دستیابی به یک هدف خاص است. این هدف می‌تواند توسط مدیریت، پیش بینی ارائه شده توسط تحلیلگران، یا شکلی که با جریان سود طولانی مدت و سازگارتر همسو باشد، تعیین شود. مدیریت سود معمولاً به معنای برداشتن گام‌هایی برای کاهش و ذخیره سود در طول سال‌های خوب برای استفاده در سال‌های ضعیف‌تر است (اسماعیل و همکاران^۴، ۲۰۲۲). ذینفعان خارجی از حسابرس مستقل می‌خواهند که مدیریت سود را تحت کنترل داشته باشد و از گزارشگری مالی دقیق اطمینان حاصل کند. در نتیجه، اگر ذینفعان معتقد باشند که در گزارشگری مالی شکستی رخ داده است، احتمال بیشتری دارد که از حسابرس شکایت کنند (آلکبسی و همکاران^۵، ۲۰۲۲).

روی چودهری^۶ (۲۰۰۶) برای مدیریت سود واقعی سه روش در نظر می‌گیرد: تغییر در زمانبندی فروش، تغییر در هزینه‌های اختیاری و تغییر در حجم تولید. در رویکرد تغییر در فروش، با اعطای تخفیفات یا تغییر در شرایط اعتباری، مدیران سود دوره جاری را تغییر می‌دهند. این اقدام به صورت مستقیم بر جریان‌های نقدی اثرگذار است. در رویکرد تغییر در هزینه‌های اختیاری، مخارجی

1. The Sarbanes-Oxley Act of 2002
 2. Higgs and Smith
 3. Almutairi & Quttainah
 4. Ismail et al
 5. Alkebees et al
 6. Roychowdhury

مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات، تعمیرات، هزینه‌های اداری و عمومی با توجه به هدف مدیر، تغییر می‌کنند. در روش سوم مدیریت سود واقعی، مدیران می‌توانند از طریق تنظیم میزان تولید، هزینه‌های سربار تولید را به تعداد کمتر یا بیشتری از واحدهای تولید شده تخصیص داده و حاشیه سود محصولات را مطابق نظر خود تغییر دهند. با ایجاد شرکت‌های سهامی و تفکیک وظایف مدیریت از مالکیت در واقع نوعی تضاد منافع بین مدیران و مالکان به وجود آمده که این‌گونه بیان می‌دارد که مدیران به دنبال حداکثر کردن منافع خود بوده و در این بین ممکن است در میزان سود اعلامی از سوی شرکت که در واقع یکی از مهمترین گزارش‌ها از سوی شرکت‌ها در صورت‌های مالی بوده، مدیریت‌هایی جهت کسب منافع صورت پذیرد. مدیریت سود نتیجه مدیریت اعداد مندرج در صورت‌های مالی شرکت است که عمده‌اً توسط مدیریت شرکت دستکاری شده است (شمس‌الدینی و نعمتی، ۱۴۰۰).

الگوهای مختلفی از شیوه‌های مدیریت سود وجود دارد که الگوی اول بدین گونه صورت می‌پذیرد که مدیران برای افزایش سود دوره آتی به گزارش مقدار بیشتر از حد زیان در دوره جاری اقدام می‌کنند. این استراتژی هزینه‌ها را در دوره‌های آتی به عنوان زیان در دوره جاری شناسایی می‌کند. الگوی دوم به حداقل نشان دادن درآمد است. این عمل مدیران در واقع برای کاهش فشار بر هزینه‌های سیاسی یا انگیزه‌های مالیاتی اتخاذ می‌شود. الگوی بعدی حداکثرسازی سودها است که این کار برای دستیابی به پاداش بزرگتر یا به منظور یک توافق بدهی انجام می‌شود (حدادی کوهسار، ۱۴۰۲). الگوی بعدی، هموارسازی سود است. این الگو به گونه‌ای انجام می‌شود که سودهای گزارش شده پایدارتر شود و کاهش وقوع نوسانات سود بیش از حد بزرگ را بپوشاند. زیرا سرمایه‌گذاران علاقه بیشتری به آن دسته از شرکت‌ها دارند که نوسانات شدیدی نداشته باشند؛ در واقع شرکت‌هایی با پایداری سود بالاتر بیشتر مورد استقبال سرمایه‌گذاران خواهد بود (تونای و سوترینسو، ۲۰۲۰).

حاکمیت شرکتی به مجموعه‌ای از سازوکارها اطلاق می‌گردد که در راستای همسویی منافع مالکان شرکت و مدیران آن به کار گرفته می‌شود و با تمرکز بر کاهش تضاد منافع میان این دو گروه و در نتیجه، کاهش هزینه‌های نمایندگی، به افزایش ارزش شرکت در بلند مدت منجر خواهد شد (مشابخی و شاکری، ۱۴۰۱). یک سازوکار خوب حاکمیت شرکتی می‌تواند ابزارهای مدیریتی مناسبی را به منظور ارتباط میان ذینفعان (مدیران، سرپرستان، سهامداران و سایرین) با تأکید بر اصول پاسخگویی، استقلال، انصاف، و شفافیت فراهم آورد، که هدف آن محدود ساختن رفتارهای فرصت طلبانه مدیران و رفتارهای غیرمسئولانه آن‌ها نسبت به سهامداران و ذینفعان می‌باشد (نیکبخت و احمد خانیگی، ۱۳۹۷). حاکمیت شرکتی مطلوب نقش مهمی در بهبود کارایی و رشد اقتصادی و در عین حال افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران دارد. اعتماد سرمایه‌گذاران نیز نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند (آزاد و پورزمانی، ۱۴۰۱). سیستم کنترل‌های داخلی هر شرکت با توجه به اندازه و نوع فعالیت آن متفاوت است، اما این سیستم در هر شرکت باید به گونه‌ای طراحی، مستقر، اجرا و مستندسازی شود که دربرگیرنده محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت باشد. در این راستا، در ایران، کمیته حسابرسی، در فرایند گزارشگری مالی و رعایت کنترل‌های داخلی، بر مدیران نظارت دارد (فخاری و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی، مدیران نیز باید با ارتقای حمایت‌ها و پشتیبانی‌های خود، امکان تقویت هرچه بیشتر محیط کنترلی را فراهم کرده و امکانات نظارت بر سیستم کنترل داخلی را بیش از پیش کنند (اخروی و همکاران، ۱۳۹۷).

این پژوهش از چند جهت به گسترش ادبیات تحقیق کمک می‌کند. اولاً، با بررسی نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی در ارتباط بین کمیته‌های حسابرسی و مدیریت سود واقعی، درک دقیقی از مکانیسم‌هایی ارائه می‌دهد که از طریق آن حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد. در حالی که مطالعات قبلی تأثیر مستقیم کمیته‌های حسابرسی بر مدیریت سود واقعی را بررسی کرده‌اند، این پژوهش با در نظر گرفتن این‌که چگونه عوامل زمینه‌ای در چارچوب حاکمیت شرکتی اثربخشی نظارت کمیته حسابرسی را شکل می‌دهند، ادبیات را گسترش می‌دهد. ثانیاً، با بررسی ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی، مانند استقلال هیئت مدیره، تنوع، دوگانگی مدیرعامل و حقوق سهامداران، این مطالعه بینش‌های جامعی را در مورد ماهیت چند وجهی مکانیسم‌های حاکمیت و پیامدهای آن‌ها برای یکپارچگی گزارشگری مالی ارائه می‌دهد. این رویکرد جامع، غنای نظری و ارتباط عملی یافته‌های پژوهش را افزایش می‌دهد و به درک دقیق‌تری از پویایی حاکمیت شرکتی کمک می‌کند. در نهایت، یافته‌های این پژوهش پیامدهای عملی برای سیاست‌گذاران، تنظیم‌کننده‌ها، سرمایه‌گذاران و دست‌اندرکاران شرکتی دارد که به دنبال تقویت شیوه‌های

حاکمیت شرکتی و افزایش قابلیت اطمینان اطلاعات مالی هستند. این پژوهش با شناسایی عواملی که اثربخشی نظارت کمیته حسابرسی در کاهش مدیریت سود واقعی را تقویت یا تضعیف می‌کند، بینش‌های عملی را برای بهبود ساختارهای حاکمیتی و تقویت شفافیت و پاسخگویی بیشتر در فرآیندهای گزارشگری مالی ارائه می‌کند. به طور کلی، با پرداختن به این شکاف‌های مهم در ادبیات و ارائه مفاهیم ارزشمند برای تئوری و عمل، این پژوهش به پیشرفت دانش در زمینه‌های حاکمیت شرکتی، گزارشگری مالی و حسابرسی کمک می‌کند. در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی با نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی هستیم. بنابراین در این پژوهش این سوال مطرح می‌شود با نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هدف از ایجاد کمیته حسابرسی ایجاد مجموعه‌ای از کارشناسان و متخصصان برای نظارت بر فعالیت‌های مدیریت به نمایندگی از مالکان شرکت‌ها است. کمیته حسابرسی یک کمیته فرعی تحت چارچوب حاکمیت شرکتی است که در آن هیئت مدیره برخی از مسئولیت‌های نظارتی را به آن محول می‌کند. کمیته حسابرسی، کمیته‌ای متشکل از اعضای هیئت مدیره است که در ایران به طور معمول سه تا پنج نفر مدیر غیرموظف (نه مدیر اجرایی و نه در استخدام شرکت) تشکیل شده است (حاجیها و عادل، ۲۰۱۸). همچنین این کمیته می‌تواند بر عملکرد مدیران ارشد شرکت نظارت کند و اعمال و تصمیم‌گیری‌های مدیران را تحت نظر داشته باشد. مسئولیت ارزیابی و نظارت بر کنترل‌های داخلی بر عهده کمیته حسابرسی است. از این رو برای رسیدن به اهداف مالی کنترل‌های داخلی، نقش کمیته حسابرسی و کیفیت آن اساسی خواهد بود؛ بنابراین هر چه کیفیت این کمیته ارتقاء یابد، نظارت بر کار مدیران نیز افزایش و شرکت از عملکرد بالاتری برخوردار است که لازمه کسب و کار شرکت‌های تهاجمی است (هروستیا و سوریادیناتا، ۲۰۲۲). برای حفظ کیفیت کمیته حسابرسی بر سه عامل استقلال، دارای تخصص مالی بودن و با سابقه بودن کمیته تأکید شده است. اگرچه در عمل ممکن است اثرات کیفیت کمیته حسابرسی در بلندمدت نمود پیدا کند، اما در افق زمانی کوتاه مدت نیز می‌تواند در برداشتن گام‌های متناسب بلندمدت اثربخش باشد (بذرافشان، ۲۰۱۵).

کمیته حسابرسی برای اطمینان از تولید اطلاعات مربوط، کافی و معتبر توسط شرکت طراحی شده، سرمایه‌گذاران و سهامداران می‌توانند از آن برای ارزیابی عملکرد شرکت استفاده کنند (چانگونی و روتیچ، ۲۰۱۵). به علاوه مطابق آیین نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سازمان بورس اوراق بهادار تهران، کمیته حسابرسی مسئول اجرای نظارت بر کار حسابرسان داخلی و مستقل، پیشنهاد حسابرسان مستقل به هیات مدیره یا سهامداران به منظور انتصاب، تعیین حق الزحمه و عزل حسابرسان مستقل، بازنگری و تایید حوزه حسابرسی و دفعات حسابرسی، دریافت گزارش حسابرسی و نیز کسب اطمینان از انجام اقدامات اصلاحی به موقع و صحیح توسط مدیریت برای کنترل ضعف‌ها و کاستی‌ها، عدم تطابق با سیاست‌ها، قوانین و مقررات و سایر مشکلات شناسایی شده از سوی حسابرسان است (امری و همکاران، ۱۴۰۱).

مدیریت سود دستکاری عمدی سود برای دستیابی به یک هدف خاص است. این هدف می‌تواند توسط مدیریت، پیش‌بینی ارائه‌شده توسط تحلیلگران، یا شکلی که با جریان سود طولانی مدت و سازگارتر همسو باشد، تعیین شود. مدیریت سود معمولاً به معنای برداشتن گام‌هایی برای کاهش و ذخیره سود در طول سال‌های خوب برای استفاده در سال‌های ضعیف‌تر است (اسماعیل و همکاران، ۲۰۲۲). ذینفعان خارجی از حسابرس مستقل می‌خواهند که مدیریت سود را تحت کنترل داشته باشد و از گزارشگری مالی دقیق اطمینان حاصل کند. در نتیجه، اگر ذینفعان معتقد باشند که در گزارشگری مالی شکستی رخ داده است، احتمال بیشتری دارد که از حسابرس شکایت کنند (آلکسی و همکاران، ۲۰۲۲). تئوری نمایندگی از این بیانیه حمایت می‌کند که به موجب آن تایید

1. Hajiha & adeleh
2. herusetya & suryadinata
3. Bazrafshan
4. Changwony& Rotich
5. Ismail et al
6. Alkebbeet et al

می‌کند که ذینفعان به دنبال ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالا از حسابرسان مستقل هستند زیرا آن‌ها قابلیت اطمینان گزارش‌های مالی را ارائه می‌دهند (رایمو و همکاران، ۲۰۲۱،^۲ و مهرت، ۲۰۱۴). علاوه بر این، کنترل اقلام تعهدی به مدیران این امکان را می‌دهد که گزارش‌های حسابداری را به طور فرصت طلبانه تحت تأثیر قرار دهند. با این حال، طبق گفته کاپلان (سند و همکاران، ۲۰۲۲،^۳)، اقلام تعهدی عادی که در طول دوره‌های تجاری عادی رخ می‌دهد، بعید است که منعکس کننده دستکاری مدیریتی باشد. هر ارقام حسابداری که دستکاری شده‌اند، به احتمال زیاد در اقلام تعهدی غیرعادی ظاهر خواهند شد (اسماعیل و همکاران، ۲۰۲۲،^۴).

مدیریت سود می‌تواند به دو روش انجام پذیرد: در روش اول، مدیران می‌توانند از طریق دستکاری اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود نمایند، در روش دوم که مدیریت سود واقعی نامگذاری شده، مدیران از طریق فعالیت‌های واقعی (مخصوصاً زمان و سطح اجرای فعالیت‌های واقعی مانند تولید، فروش، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تأمین مالی) سود را دستکاری می‌کنند (شمس‌زاده، افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۹۵). بر اساس این مطالب می‌توان نتیجه گرفت مدیریت سود، مداخله مغرضانه در گزارشگری مالی است که با هدف دستیابی به سود غیرعادی برای سهامداران یا مدیران انجام می‌شود. این سود غیرعادی می‌تواند به صورت افزایش پاداش یا کاهش احتمال اخراج مدیران در زمان عملکرد ضعیفشان باشند. با عدم لحاظ میزان و جهت تغییرات سود، تداوم سود نشان دهنده آن است که تغییرات سود دوره جاری تا چه حد در سری‌های زمانی سود دارای ثبات است. اقلام سود دارای پایداری بیشتر از نظر سرمایه‌گذاران به عنوان سود بادوام تلقی می‌شود، تا جایی که از سودها به عنوان مبنایی برای ایجاد یک روش میان‌بر برای ارزشگذاری (نظیر ضریب قیمت به سود) استفاده می‌نمایند (خوشکار، شبیانی و خلیج، ۱۳۹۸).

حاکمیت شرکتی مکانیزمی برای کاهش فرصت طلبی مدیران محسوب می‌شود (برزگر و جمیل، ۲۰۲۱،^۵). کیفیت حاکمیت شرکتی به نحوه اعمال حاکمیت بر یک شرکت سهامی اشاره دارد و بر اساس نحوه واکنش شرکت به سهامداران خود و همچنین سایر ذینفعان در سازمان شکل می‌گیرد. به همین دلیل از نظر عملکرد شرکت‌ها و همچنین کل جامعه مهم تلقی می‌شود. به طور کلی، نیاز به حاکمیت شرکتی را می‌توان در تضاد منافع بین ذینفعان در شرکت بیان کرد. این تضاد منافع اغلب به مسائل نمایندگی مربوط می‌شود و به این دلیل است که ذینفعان شرکت، اهداف و برنامه‌های متفاوتی را برای خود دارند (ولیزاده و خدایی، ۲۰۲۰،^۶). حتی (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کمیته حسابرسی و انتخاب حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین کمیته حسابرسی (استقلال کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی) و انتخاب حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

حدادی کوهسار (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران این‌گونه بیان نمود که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین هیچ یک از سازوکارهای حاکمیت شرکتی تحت عنوان متغیرهای مستقل، با مدیریت سود و کیفیت سود در شرکت‌های مورد بررسی رابطه معناداری مشاهده نگردید.

معصومی و قربانی خارکش (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر رقابت صنعت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود این‌گونه بیان نمودند که نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد بین رقابت صنعت و مدیریت سود شرکت‌ها در دوره بررسی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است؛ اما اثر تعدیلی رقابت صنعت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود مورد تأیید قرار نگرفت.

غیور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت سود با نقش تعدیلگری بیش اطمینانی مدیریت، رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت سود رابطه منفی دارد ولی این ارتباط از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین بیش اطمینانی مدیریت تأثیر معناداری بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت سود ندارد.

1. Raimo et al
2. Mihret
3. sanad et al
4. Ismail et al
5. Barzegar&Jamil
6. valizadeh & khodayi

قدس مفیدی (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر کاهش تحریفات مالی با تاکید بر تخصص حسابرس در صنعت پرداخت. او به این نتیجه رسید که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل استقلال کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و تجربه کمیته حسابرسی) و تحریفات مالی ارتباط معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد، همچنین تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل استقلال کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و تجربه کمیته حسابرسی) و تحریفات مالی تاثیر معناداری ندارد.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی ارتباط تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با ویژگی‌های پیش بینی سود هر سهم مدیریت را بررسی کردند. شواهد نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش بینی سود رابطه مثبت دارد. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش بینی‌های سود ارتباطی منفی دارد. باد آور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۲) در پژوهشی به ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود پرداختند، نتایج پژوهش، نشان داد که بین شاخص کیفیت حسابرسی و مدیریت سود مصنوعی ارتباط منفی وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین شاخص‌های کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت وجود دارد.

کائوج^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیجریه پرداختند. این مطالعه رابطه مثبت و معناداری را بین استقلال کمیته حسابرسی، جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های نیجریه ای فهرست شده در نیجریه ارائه می‌کند. با این حال، رابطه منفی بین اندازه کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی، اندازه شرکت و مدیریت سود در میان شرکت‌های فهرست شده در نیجریه گزارش شده است. سیاستگذار باید خط مشی ترکیب حسابرسی را برای اعضای کمیته ارائه دهد تا به وضوح بیان شود تا اعضا بتوانند وظایف خود را به طور موثر انجام دهند.

نگوین و همکاران^۲ (۲۰۲۳) نشان دادند که کیفیت حاکمیت شرکتی، مدیریت سود را محدود می‌کند. به ویژه، ارتباط منفی بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی (غیر شرکت‌های دولتی)، شرکت‌هایی با مالکیت خارجی بالا و مالکیت متمرکز پایین، و شرکت‌های با رشد بالا در مقایسه با همتایان خود عمیق تر است. نتایج مشاهده شده نسبت به معیارهای جایگزین اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی کل و مدیریت سود واقعی قوی است. علاوه بر این، نتایج با استفاده از متغیرهای ابزاری، اثرات ثابت و روش‌های تطبیق امتیاز تمایل برای پرداختن به علیت معکوس بالقوه و سوگیری انتخاب نمونه تأیید می‌شوند. گوپتا و چاوهان^۳ (۲۰۲۳) نشان می‌دهند یک چارچوب حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌های خانوادگی ممکن است تأثیر منفی مشکلات را کاهش دهد و از سازکارهای حاکمیت شرکتی مانند نظارت بر تصمیمات کنترل کننده سهامداران خانوادگی و حفاظت از دارایی‌های شرکت در برابر سوء استفاده مالیاتی زیادی برای شرکت‌های خانوادگی به همراه دارد.

خوانگ و همکاران^۴ (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان مدیریت سود، ترکیب هیئت مدیره و تداوم سود در بازارهای نوظهور، با بررسی ۲۲۸ شرکت طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به این نتیجه رسیدند که تداوم سود با مدیریت سود تعهدی ارتباط منفی و با مدیریت سود واقعی ارتباط مختلط دارد. همچنین، هیئت مدیره نقش مهمی در تداوم سود ایفا می‌کند.

حسن و همکاران^۵ (۲۰۲۳) به موضوع تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی: نقش تعدیل کنند حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج پژوهش، نشان داد که شرکت‌ها از مدیریت سود تعهدی به مدیریت سود واقعی در اقتصادهای توسعه یافته که با سازوکارهای حاکمیت قوی مشخص می‌شوند، روی می‌آورند. علاوه بر این، در حضور حسابرس چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی ارتباط منفی بین سازوکار حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایش می‌یابد.

1. kaoje

2. Nguyen et al

3. Gupta & Chauhan

4. Khuong et al

5. Hassan et al

راماچاندرا و همکاران^۱ (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عملکرد بخش بانکی در کشور عمان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد تعداد جلسات کمیته حسابرسی و حضور اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی ارتباط مستقیم با عملکرد و تعداد اعضای کمیته حسابرسی ارتباطی معکوس با عملکرد بانک‌ها دارد.

دروگالاس و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، پژوهشی در زمینه رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی انجام دادند. آن‌ها رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی و غیرحسابرسی پرداخت شده به حساب‌سازان را در طول اولین سال اجرای قانون مربوط در یونان بررسی می‌کنند. با استفاده از نمونه‌ای از ۱۲۶ شرکت ذکر شده در بورس اوراق بهادار آتن، نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی (به عنوان مثال اندازه، تعداد دفعات جلسات و حضور حداقل یک عضو با تجربه قبلی در موقعیت مشابه) با هزینه‌های حسابرسی رابطه مثبت دارد. همچنین، آن‌ها شواهدی ارائه می‌دهند که کمیته‌های حسابرسی با درصد بالایی از اعضای با سابقه ممکن است تمایل کمتری برای ارائه نامتناسب خدمات غیرحسابرسی در رابطه با کل هزینه‌ها داشته باشند.

الدیری و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در بازارهای متمرکز تفاوت بین بازارهای با تمرکز بالا و پایین را در استفاده از مدیریت سود تعهدی و واقعی و نقش حاکمیت شرکتی را در کاهش این فعالیت‌ها در دو نوع بازار بررسی می‌کنند. نتایج آن‌ها نشان داده است که شرکت‌های فعال در بازارهای متمرکز در مقایسه با بازارهای غیرمتمرکز از مدیریت سود تعهدی و واقعی بیشتر استفاده می‌کنند. علاوه بر این، شواهد دیگری نشان می‌دهند که حاکمیت شرکتی، یعنی ویژگی‌های هیئت مدیره باکیفیت، در کاهش مدیریت سود در بازارهای غیرمتمرکز تأثیر بیشتری دارد. در مقابل، حاکمیت شرکتی در بازارهای متمرکز مدیران را وادار می‌کند که مدیریت درآمد واقعی را جایگزین اقدام تعهدی کنند زیرا این نوع مدیریت سود به راحتی قابل تشخیص نیست و عواقب منفی بلندمدت آن بر ارزش شرکت احتمالاً با قدرت بالاتر رقابت شرکت در بازارهای متمرکز کاهش می‌یابد.

استیوان و همکاران^۴ (۲۰۲۰) با بررسی اثر بخشی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کاهش مدیریت سود در ۳۹۳ شرکت اندونزیایی دریافتند تخصص و تلاش کمیته حسابرسی تأثیری مثبت بر مدیریت سود داشته است. این در حالی است که استقلال این کمیته تأثیری بر مدیریت سود نداشته است.

نظیر و افزا^۵ (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی بررسی کردند که نقش تعدیلی مدیریت سود اختیاری چگونه بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت تأثیر می‌گذارد. آن‌ها دریافتند که تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارزش شرکت و کاهش مشکل نمایندگی مثبت و معنادار است. همچنین حاکمیت شرکتی باعث کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیران جهت دستکاری سود می‌گردد. علاوه بر این، نقش تعدیلی رفتار فرصت طلبانه مدیران جهت دستکاری سود بر رابطه حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت معنادار است و تأثیر آن منفی می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه ارائه شده، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر طرح می‌شود:

۱. بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط وجود دارد.
۲. با نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط وجود دارد.

1. Ramachandra et al
2. Drogalas et al
3. El Diri et al
4. Setiawan et al
5. Nazir& afza

روش پژوهش

این پژوهش سعی بر آن دارد که نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین این پژوهش به دلیل این که نتایج آن می‌تواند در تدوین قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار مورد استفاده قرارگیرد، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. پژوهش کاربردی پژوهشی است که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون را برای حل مسایل اجرایی و واقعی به کار می‌گیرد. همچنین با توجه به این که این تحقیق به دنبال یافتن ارتباط بین چندین متغیر می‌باشد از نوع همبستگی و روش علی پس رویدادی می‌باشد؛ بدین معنی که انجام پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ است. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی ایویوز^۱ صورت گرفته است به علت گستردگی حجم جامعه آماری و دشواری‌های خاص حاصل از آن و همچنین وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه در ارتباط با داده‌های مورد نیاز پژوهش، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری اعمال شده است:

- ۱) شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گری‌های مالی و موسسات تامین مالی از لیست بررسی حذف شدند.
 - ۲) شرکت‌هایی که در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۶-۱۴۰۱) تغییر سال مالی داده اند.
 - ۳) شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه نیست.
 - ۴) شرکت‌هایی که بین سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ در لیست بورس نباشند (یعنی بین سال‌ها حذف شده‌اند یا در سال‌هایی بعد از سال ۱۳۹۶ عضو بورس شده‌اند).
 - ۵) شرکت‌هایی که فاقد اطلاعات کافی در زمینه افشای اطلاعات کمیته حسابرسی هستند.
 - ۶) شرکت‌هایی که جزء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس بوده و شرکت‌های فرابورس جزء جامعه آماری نمی‌باشد.
- با اعمال محدودیت‌های فوق تعداد شرکت‌های نمونه این مطالعه ۱۲۰ شرکت و تعداد مشاهدات ۷۲۰ سال / شرکت می‌باشد.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول و دوم از رابطه ۱ و ۲ استفاده شده است:

رابطه (۱)

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AC_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 MBV_{it} + \beta_5 LEV_{it} + e_{it}$$

که در این رابطه:

REM: مدیریت سود واقعی؛ AC: کمیته حسابرسی؛ ROA: بازده دارایی‌ها؛ SIZE: اندازه شرکت؛ MBV: فرصت‌های رشد؛ LEV: اهرم مالی

رابطه (۲)

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AC_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 AC * CG_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 MBV_{it} + \beta_7 LEV_{it} + e_{it}$$

که در این رابطه:

CG: حاکمیت شرکتی؛ AC*CG_{it}: اثر تعاملی کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی

متغیر مستقل: کمیته حسابرسی

برای محاسبه کمیته حسابرسی از چهار معیار که در پژوهش گارنی، هالیوی و زهری^۱ (۲۰۱۶) مورد بررسی قرار گرفته است، استفاده شده است: ۱- اندازه کمیته حسابرسی؛ ۲- استقلال کمیته حسابرسی؛ ۳- تخصص کمیته حسابرسی، ۴- تعداد جلسات کمیته حسابرسی استفاده شده است. اثربخشی کمیته حسابرسی شامل مجموع نمرات (استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی، تعداد جلسات کمیته حسابرسی) است که تابع ریاضی آن به صورت زیر بیان شده است:

رابطه (۳)

$$ACE_{i,t} = \sum (ACIND_{i,t} + ACEXP_{i,t} + ACSIZE_{i,t} + ACMEE_{i,t})$$

که در آن:

$ACIND_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر در پایان سال مالی مدیران کمیته حسابرسی باشند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (گارنی، هالیوی و زهری، ۲۰۱۶).

$ACEXP_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر در پایان سال مالی بیش از دو عضو از اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری و مدیریت باشند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (گارنی، هالیوی و زهری، ۲۰۱۶).

$ACSIZE_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر اعضای کمیته حسابرسی در پایان سال مالی حداقل ۳ عضو باشند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک خواهد بود (گارنی، هالیوی و زهری، ۲۰۱۶).

$ACMEE_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر اعضای کمیته حسابرسی بیشتر از ۶ جلسه تشکیل شده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (گارنی، هالیوی و زهری، ۲۰۱۶).

جمع حاصل از معادله ی فوق برای هر شرکت محاسبه و به عنوان امتیاز کمیته حسابرسی آن شرکت تلقی شده است.

متغیر وابسته: مدیریت سود واقعی

روی چودهری (۲۰۰۶) سه روش را برای دستکاری سود واقعی و اثر آن‌ها بر سطح غیرعادی عملیات واحد تجاری معرفی کرد: ۱- دستکاری فروش، ۲- کاهش هزینه‌های اختیاری و ۳- تولید بیش از حد یا افزایش تولید برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته. بنابراین مدیریت سود واقعی برابر است با حاصل جمع اندازه گیری سطح جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی در سال انجام مدیریت سود. با استفاده از رابطه ۴ جریان نقد عملیاتی واقعی به بخش‌های عادی (مورد انتظار) و غیرعادی (غیرمنتظره) تفکیک شدند:

رابطه (۴)

$$CFO_{i,t}/A_{i,t-1} = a_1 I/A_{i,t-1} + a_2 Sales_{i,t}/A_{i,t-1} + a_3 \Delta Sales_{i,t}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

در این رابطه، CFO جریان نقد عملیاتی شرکت i در پایان سال t را نشان می‌دهد. استراتژی‌های افزایش درآمد از طریق تولید بیش از حد و کاهش هزینه‌های اختیاری مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی، به مشاهده غیرعادی افزایش مخارج تولید و کاهش غیرعادی هزینه‌های اختیاری با توجه به فروش منجر می‌شود. به منظور تجزیه مخارج واقعی تولید و هزینه‌های اختیاری، به بخش نرمال (منتظره) و غیر نرمال (غیرمنتظره)، از رابطه‌های ۵ و ۶ استفاده شده است:

رابطه (۵)

$$Prod_{i,t}/A_{i,t-1} = a_1/A_{i,t-1} + a_2 Sales_{i,t}/A_{i,t-1} + a_3 \Delta Sales_{i,t}/A_{i,t-1} + a_4 \Delta Sales_{i,t-1}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

رابطه (۶)

$$DiscE_{i,t}/A_{i,t-1} = a_1/A_{i,t-1} + a_2 Sales_{i,t-1}/A_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

در این رابطه‌ها، $Prod^1$ نشان دهنده هزینه‌های تولید است که از حاصل جمع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییر در موجودی کالا به دست می‌آید. $DiscE^2$ معرف هزینه‌های اختیاری یا همان هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. جریان نقد عملیاتی غیرعادی ($AbCFO^3$) تولید غیرعادی ($AbPprod$) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی ($AbDiscE$) از طریق تفاوت بین ارزش‌های واقعی متغیر مد نظر که باتوجه به دارایی‌های دوره قبل بی‌مقیاس شده است و سطح نرمال آن‌ها، به دست آمدند. این سه متغیر، شاخص‌های اصلی مدیریت سود واقعی هستند که در تحلیل‌های این پژوهش استفاده شده‌اند. ممکن است شرکتی از تمام یا تعدادی از این سه استراتژی بیان شده استفاده کند تا درآمد دوره خود را افزایش دهد. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از رابطه ۷ استفاده خواهد شد که در آن $AbREM$ معرف مدیریت سود واقعی (یا همان REM) و نشان دهنده معیار اصلی مدیریت سود واقعی است.

رابطه (۷)

$$ABREM = (-1)AbCFO + AbProd + (-1)AbDisc$$

متغیر تعدیل گر: حاکمیت شرکتی

امتیازبندی راهبری شرکتی: بر اساس روش امتیازبندی راهبری شرکتی براون و کایلور (۲۰۰۶) مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس این روش در سطح هر شرکت، راهبری شرکتی با ۹ سؤال با توجه به ۹ مکانیزم مربوط به راهبری شرکتی به شرح ذیل مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج به صورت صفر و یک مشخص می‌شود. در سؤال‌های ۲ تا ۶، پاسخ بلی برابر با راهبری شرکتی قوی بوده و با متغیر مصنوعی یک بیان می‌شود و بالعکس. در سؤال‌های ۱، ۷، ۸، و ۹، پاسخ بلی برابر با راهبری شرکتی ضعیف بوده و با متغیر مصنوعی صفر بیان می‌شود و بالعکس

- ۱- دوگانگی وظیفه مدیر عامل: آیا مدیرعامل شرکت، رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره است؟
- ۲- استقلال هیئت مدیره: آیا تعداد اعضای غیرمؤلف نسبت به اعضای مؤلف در هیئت مدیره شرکت بیشتر است؟
- ۳- اندازه هیئت مدیره: آیا اندازه هیئت مدیره شرکت بزرگتر است؟
- ۴- مالکیت اعضای هیئت مدیره: آیا میزان مالکیت اعضای هیئت مدیره شرکت بیش از ۵۰٪ است؟
- ۵- مالکیت سرمایه گذاران نهادی: آیا میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی شرکت بیش از ۲۰٪ است؟
- ۶- اندازه موسسه حسابرسی: آیا حسابرسی شرکت توسط یک موسسه حسابرسی با اندازه بزرگ تر (سازمان حسابرسی) انجام شده است؟
- ۷- دوره تصدی حسابرس: آیا دوره تصدی حسابرس شرکت ۳ سال و یا بیشتر است؟
- ۸- دوره تصدی مدیر عامل: آیا دوره تصدی مدیر عامل شرکت بیش از یک سال است؟
- ۹- رعایت قانون تجارت: آیا گزارش بازرسان قانونی شرکت، حاوی برخی عملکردهای مغایر با قانون تجارت از طرف هیئت مدیره است؟

پس از آن که نتایج مربوط به مجموعه سوالات در سطح هر شرکت به صورت صفر و یک مشخص شد، تعداد پاسخ‌های بلی را که با متغیر مصنوعی یک مشخص شده است برای هر شرکت جمع زده و از نتیجه به دست آمده، با توجه به جمع کل سوالات نسبت گرفته و آن را به صورت امتیاز برای هر شرکت بیان می‌کنیم.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): لگاریتم طبیعی کل فروش شرکت در سال $t-1$.

1. Production Cost
2. Discretionary cost
3. Cash Flow Operation

اندازه شرکت میزان بزرگی و کوچکی دارایی‌های شرکت را نشان می‌دهد. مطابق اظهارات چن و همکاران^۱ و هاتن و همکاران^۲ (۲۰۰۹) شرکت‌های بزرگ به دلیل افزایش معامله و همچنین داشتن سودآوری بیشتر و دسترسی به وجه نقد بالا، با احتمال بیشتری دست به مدیریت سود واقعی می‌زنند.

اهرم مالی (LEV_{it}): نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها در سال $t-1$.

اهرم مالی نشان دهنده تحمیل بیشتر بدهی بر ساختار سرمایه شرکت است. مطابق اظهارات جین و مایرز^۳ (۲۰۰۶) اهرم مالی بالا، شرکت را با ریسک مالی بیشتر در آینده مواجه می‌کند همین امر ممکن است به عدم پرداخت تعهدات مرتبط باشد بنابراین به نظر می‌رسد یک رابطه مستقیم بین اهرم مالی و مدیریت سود واقعی مرتبط باشد.

بازده دارایی (ROA_{it}): نسبت سود عملیاتی بر کل دارایی‌ها در سال $t-1$.

بازده دارایی میزان تولید سود ناشی از بکارگیری دارایی‌ها است. مطابق اظهارات چن و همکاران (۲۰۰۱) دستیابی به سودآوری عامل تاثیر گذار بر تحریک مدیران در افزایش ارزش بازار است. آن‌ها ممکن است برای افزایش ارزش بازار با دستکاری سود و نشان دادن بیش از حد آن، اخبار خوب را روانه بازار کنند و اخبار بد در درون شرکت باقی بماند، همین امر موجب می‌گردد که زمانی که اخبار منفی به بازار رها می‌شود، مدیریت واقعی سود افزایش یابد.

فرصت‌های رشد (MBV_{it}): فرصت‌های رشد شرکت مجموعه گزینه‌هایی هستند که شرکت تصمیم به انتخاب آن‌ها می‌گیرد. در این پژوهش از فرمول زیر برای محاسبه فرصت‌های رشد استفاده می‌شود:

$$\text{فرصت های رشد} = \frac{\text{کل ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}{\text{کل ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام}}$$

که ارزش بازار شرکت بیشتر از ارزش دفتری آن است نشان آن است که شرکت دارای فرصت‌های کم برای سرمایه گذاری است. قیمت بازار نشان دهنده انتظارات سهامداران از ارزش شرکت است. اگر انتظارات سهامداران از ارزش شرکت بیشتر باشد، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد. در حالی که اگر انتظارات سهامداران از ارزش شرکت پایین باشد، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام افزایش می‌یابد. پایین بود این نسبت نشان از عدم وجود فرصت‌های کافی در زمینه سرمایه گذاری است.

یافته های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱) آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	میان	حداکثر
کمیته حسابرسی	۲/۲۵۴	۰/۱۱۳	۰/۰۰۰	۲/۰۰۰	۴/۰۰۰
مدیریت سود واقعی	۰/۴۵۳	۰/۷۴۰	-۰/۲۳۵	۰/۳۵۹	۲/۵۲۶
اندازه شرکت	۱۳/۷۳	۱/۱۴۹	۱۰/۸۵	۱۲/۷۷	۱۴/۸۸۶
فرصت های رشد	۲/۶۵۳	۱/۳۳۷	-۰/۰۸۴	۱/۲۸۸	۷/۵۳۹
اهرم مالی	۰/۶۶۳	۰/۱۶۸	۰/۰۸۹	۰/۴۶۷	۰/۸۳۲
بازده دارایی	۰/۱۴۷	۰/۱۳۳	-۰/۱۴۳	۰/۱۰۸	۰/۴۲۲
حاکمیت شرکتی	۵/۲	۰/۳	۰	۴	۹

1. Chen et al
2. Hutten et al
3. Jin & myers

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال میانگین مدیریت سود واقعی برابر $۰/۴۵۳$ است. این شاخص دارای حداقل $۰/۲۳۵$ - و حداکثر $۲/۵۲۶$ است که نشان می‌دهد شکاف قابل ملاحظه‌ای بین شرکت‌ها در زمینه مدیریت سود واقعی وجود دارد. میانگین کمیته حسابرسی برابر $۲/۲۵۴$ است. میانگین اهرم مالی برابر با $۰/۶۶۳$ است و نشان می‌دهد که میزان کل بدهی‌ها به دارایی‌ها در شرکت‌های بورسی بیشتر است که همین عامل احتمال ریسک مالی را در شرکت‌ها افزایش می‌دهد. همچنین میانگین فرصت‌های رشد (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری) برابر $۲/۶۵۳$ است و حاکی از آن است که ارزش‌های بازار سهام به ارزش‌های دفتری سهام فزونی دارند و همین عامل، دلیلی برای افزایش ارزش سهامداران است. همچنین بازده دارایی برابر $۰/۱۴۷$ و نشان می‌دهد شرکت‌های مورد نظر از طریق بکارگیری دارایی‌ها اقدام به تولید سود به میزان $۱۴/۷$ درصد کرده‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد میانه مدیریت سود واقعی و کمیته حسابرسی به ترتیب برابر $۰/۳۵۹$ و $۲/۰۰۰$ است و نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدأ مقاطع)

نتیجه آزمون	P-Value	Statistic	مدل آزمون	فرضیه صفر (H0)
فرض H_0 رد می‌شود	$۰/۰۰۰$	$۸/۹۵۲$	فرضیه اول	عرض از مبدأ تمامی مقاطع با هم
فرض H_0 رد می‌شود	$۰/۰۰۰$	$۷/۶۶۲$	فرضیه دوم	یکسان است

در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 استفاده از روش داده‌های تلفیقی را در مقابل فرضیه H_1 یعنی استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از جدول (۳)، نتیجه این آزمون بیانگر این مطلب است که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده، بنابراین استفاده از روش‌های داده‌های تابلویی برای تمام مدل‌های مورد نظر مناسب‌تر است. بعد از انتخاب روش داده‌های تابلویی توسط آزمون لیمر، آزمون هاسمن انجام گرفت. در این آزمون در صورت پذیرفته شدن H_0 از مدل اثرات ثابت و در صورت پذیرفته شدن H_1 از مدل اثرات تصادفی استفاده می‌گردد.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن (انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی)

نتیجه آزمون	P-Value	آماره کای دو	مدل آزمون	فرضیه صفر (H0)
فرض H_0 پذیرفته می‌شود	$۰/۰۰۰$	$۲۹/۰۲۶$	فرضیه اول	تفاوت در ضرایب سیستماتیک
فرض H_0 پذیرفته می‌شود	$۰/۰۰۰$	$۳۵/۰۰۷$	فرضیه دوم	نیست. (مدل اثرات تصادفی است)

همانطور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، مقدار این آماره برای تمام مدل‌های مورد نظر معنی‌دار است و سطح معنی‌داری گزارش شده در نگاره (۳) برای تمام فرضیه‌ها کمتر از $۰/۰۵$ است و بیانگر پذیرش فرضیه H_0 و رد فرضیه H_1 در سطح اطمینان ۹۵ درصد بوده و بر استفاده از روش اثرات ثابت دلالت دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول در جدول (۴) نشان می‌دهد که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط منفی ($۰/۴۹۳$) و معنی‌داری ($۰/۰۰۰$) دارد. بدین معنا که بهبود عملکرد کمیته حسابرسی، دستکاری فعالیت‌های واقعی از سوی مدیریت کاهش می‌یابد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود $۵۲/۵$ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود واقعی توسط متغیر مستقل کمیته حسابرسی و سایر متغیرها قابل تبیین است. آماره دوربین واتسون بین $۱/۵$ و $۲/۵$ بوده و می‌توان تایید نمود که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده به وسیله مدل رگرسیون، از یکدیگر مستقل هستند. مقدار سطح معنی

داری F برابر با $0/000$ و کوچکتر از $0/05$ می باشد که حاکی از معنی داری کل مدل است. همچنین در آزمون فرضیه اول مقدار آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از 10 بود، بنابراین مشکل هم خطی بین متغیرهای پژوهش وجود نداشت.

جدول ۴. ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی

$$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACE_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 MBV_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \varepsilon$$

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		t	سطح معنی داری	VIF
	ضریب	میزان خطا			
C	0/610	0/462	1/321	0/241	-
$ACE_{i,t}$	-0/493	0/123	-4/007	0/000	1/454
$SIZE_{i,t}$	-0/076	0/027	-2/923	0/0127	1/352
$MBV_{i,t}$	-0/178	0/051	-3/490	0/0009	1/864
$LEV_{i,t}$	0/352	0/073	4/824	0/0004	1/336
$ROA_{i,t}$	-0/220	0/042	-5/116	0/000	1/937
R^2 تعدیل شده			0/525		
دوربین واتسون			1/743		
آماره F			17/748		
احتمال آماره F			0/000		

در ارتباط با سایر متغیرها، علامت مثبت اهرم مالی ($0/352$) حاکی از ارتباط مثبت و معنی دار ($0/0004$) بین این متغیر با مدیریت سود واقعی می باشد. همچنین نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که فرصت های رشد و بازده دارایی با مدیریت سود واقعی به ترتیب ارتباط منفی ($-0/178$ و $-2/220$) و معنی داری ($0/0009$ ، $0/000$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. همچنین، بین اندازه شرکت با مدیریت واقعی سود، ارتباط از نوع منفی ($-0/076$) و معنی دار است.

آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم در نگاره (۵) نشان می دهد که حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی تاثیر منفی ($-0/289$) و معنی داری ($0/0082$) دارد. در حقیقت، حاکمیت شرکتی، ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی را تعدیل می کند. بدین معنی، زمانی که شرکتها از مکانیزم های حاکمیت شرکتی استفاده می کنند، وجود کمیته حسابرسی اثربخش می تواند موجب تشدید در کاهش مدیریت سود واقعی شود. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که حدود $41/9$ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود واقعی توسط متغیر تعاملی کمیته حسابرسی*حاکمیت شرکتی و سایر متغیرها قابل تبیین است. آماره دوربین واتسون بین $1/5$ و $2/5$ بوده و می توان تایید نمود که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده به وسیله مدل رگرسیون، از یکدیگر مستقل هستند. مقدار سطح معنی داری F برابر با $0/000$ و کوچکتر از $0/05$ می باشد که حاکی از معنی داری کل مدل است. همچنین در آزمون فرضیه دوم مقدار آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از 10 بود، بنابراین مشکل هم خطی بین متغیرهای پژوهش وجود نداشت.

در ارتباط با سایر متغیرها، علامت مثبت اهرم مالی ($0/365$) حاکی از ارتباط مثبت و معنی دار ($0/000$) بین این متغیر با مدیریت سود واقعی می باشد. همچنین نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که فرصت های رشد و بازده دارایی با مدیریت سود واقعی به ترتیب ارتباط منفی ($-0/125$ و $-0/229$) و معنی داری ($0/0219$ ، $0/000$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. همچنین، بین اندازه شرکت با مدیریت سود واقعی به ارتباط از نوع منفی ($-0/083$) و معنی دار ($0/019$) است.

جدول ۵. تاثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی

$$REM = \beta_0 + \beta_1 ACE_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 ACE \times CG_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MBV_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \varepsilon$$

متغیر وابسته: مدیریت سود واقعی					
متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		t	سطح معنی‌داری	VIF
	ضریب	میزان خطا			
C	-۰/۵۴۲	۰/۳۷۱	-۱/۴۵۸	۰/۱۹۳	-
ACE _{it}	-۰/۳۹۲	۰/۱۱۸	-۳/۳۲۲	۰/۰۰۰	۱/۰۳۲
CG _{it}	-۰/۱۷۹	۰/۰۵۲	-۳/۴۴۳	۰/۰۰۰	۱/۰۱۰
ACE×CG _{it}	-۰/۲۸۹	۰/۰۹۵	-۳/۰۴۲	۰/۰۰۸۲	۱/۰۶۷
SIZE _{it}	-۰/۰۸۳	۰/۰۲۹	-۲/۸۶۲	۰/۰۱۹	۱/۰۴۷
MBV _{it}	-۰/۱۲۵	۰/۰۵۲	-۲/۴۰۳	۰/۰۲۱۹	۱/۴۹۶
LEV _{it}	۰/۳۶۵	۰/۰۸۲	۴/۴۵۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷۵
ROA _{it}	-۰/۲۲۹	۰/۰۴۳	-۵/۳۲۵	۰/۰۰۰	۲/۱۴۰
R ² تعدیل شده	۰/۴۱۹				
دوربین واتسون	۱/۷۵۷				
آماره F	۱۶/۸۸۰				
احتمال آماره F	۰/۰۰۰				

بحث و نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه آزمون فرضیه اول نشان داد که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. در حقیقت، اثربخشی کمیته حسابرسی می‌تواند موجب کاهش دستکاری فعالیت‌های واقعی شرکت شود. تعامل بین حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی در درک تأثیر جمعی آن‌ها بر مدیریت سود واقعی بسیار مهم است. نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد که با نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. در واقع رابطه منفی کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی برای شرکت‌هایی که از حاکمیت شرکتی قوی‌تری برخوردارند تشدید می‌شود. چارچوب‌های حاکمیت شرکتی، پشتیبانی لازم را برای کمیته‌های حسابرسی برای عملکرد مؤثر فراهم می‌کند و در نتیجه توانایی آن‌ها را برای مهار مدیریت سود واقعی افزایش می‌دهد.

این مطالعه با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی، رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی را بررسی می‌کند. هدف این است که تجزیه و تحلیل شود که چگونه کمیته‌های حسابرسی مؤثر، با حمایت از چارچوب‌های حاکمیت شرکتی، می‌توانند میزان مدیریت سود واقعی را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کاهش دهند. یافته‌های حاصل از بررسی ۱۲۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران بینش‌های مهمی را در مورد پویایی بین کمیته‌های حسابرسی، حاکمیت شرکتی و شیوه‌های مدیریت سود نشان می‌دهد. نتایج، رابطه منفی بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی را تایید می‌کند. شرکت‌هایی که کمیته‌های حسابرسی مستقل‌تر و با دانش مالی بیشتری دارند، تمایل دارند سطوح پایین‌تری از مدیریت سود واقعی را نشان دهند. این با دیدگاه‌های نظری تئوری نمایندگی و نظریه وابستگی به منابع مطابقت دارد، که نشان می‌دهد نظارت مستقل توسط کمیته‌های حسابرسی مجهز می‌تواند فرصت طلبی مدیریتی را کاهش دهد و یکپارچگی گزارشگری مالی را افزایش دهد.

وجود یک کمیته حسابرسی هوشیار به عنوان یک عامل بازدارنده برای تمایل مدیریت به درگیر شدن در شیوه‌های مالی دستکاری عمل می‌کند. در نتیجه، این مطالعه تایید می‌کند که وجود یک کمیته حسابرسی اثربخش با مدیریت سود واقعی در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط منفی دارد. مهم‌تر از آن، نشان می‌دهد که چارچوب‌های حاکمیت شرکتی این رابطه منفی را با ارائه ابزارها، اختیارات و استقلال لازم به کمیته حسابرسی برای انجام مؤثر وظایفش تشدید می‌کند.

یافته‌ها نقش حیاتی حاکمیت شرکتی را در افزایش اثربخشی کمیته‌های حسابرسی و تضمین یکپارچگی گزارش‌گری مالی برجسته می‌کنند. برای مدیران، این به معنای نیاز به اولویت بندی ترکیب و عملکرد کمیته حسابرسی و اطمینان از استقلال و تخصص آن است. شرکت‌ها باید شیوه‌های حاکمیتی جامع را برای حمایت از نقش نظارتی کمیته حسابرسی اتخاذ کنند، بنابراین فرهنگ شفافیت و رفتار اخلاقی را تقویت کنند. سرمایه‌گذاران باید کیفیت حاکمیت شرکتی و اثربخشی کمیته حسابرسی را هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری ارزیابی کنند، زیرا این عوامل نشان دهنده تعهد شرکت به یکپارچگی مالی و پایداری بلندمدت است. به طور کلی، تقویت کمیته حسابرسی و چارچوب گسترده‌تر حاکمیت شرکتی برای کاهش مدیریت سود واقعی و افزایش قابلیت اطمینان صورت‌های مالی ضروری است. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادی مورد نظر به شرح زیر ارائه می‌گردد. به‌طور کلی پژوهش‌های علمی نیازمند تردید منظم و منطقی هستند و پژوهشگران باید به نتایج پژوهش به دیده انتقاد بنگرند و منتقد سرسخت پژوهش‌های خویش و دیگران باشند. به بیان دیگر، دنیایی که برای مطالعه به ما داده شده است، دنیایی صددرصد درست یا نادرست نیست. در علم تجربی هیچ چیز را نمی‌توان با قطعیت مطلق ثابت کرد و اصولاً تئوری نه ثابت کردنی نه رد کردنی و نه غیر احتمالی است. تحقیق حاضر نیز از موارد بیان شده فوق مستثنی نیست و دارای محدودیت‌هایی است که باعث می‌شود نتایج آن با احتیاط بیان شود. محدودیت‌ها و مشکلاتی که در اجرای پژوهش حاضر وجود داشته و باید حین تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم آن مد نظر قرار گیرد. یکی از محدودیت‌های اولیه این پژوهش، محیط نظارتی و نهادی منحصربه‌فرد در ایران است که ممکن است با سایر کشورها تفاوت چشمگیری داشته باشد. بورس اوراق بهادار تهران تحت مقررات و قوانین حاکمیت شرکتی خاص که تحت تأثیر شرایط حقوقی، اقتصادی و فرهنگی ایران است، فعالیت می‌کند. این تفاوت‌ها می‌تواند تعمیم یافته‌ها را به بازارهای دیگر با چارچوب‌های نظارتی و استانداردهای حاکمیتی متمایز محدود کند. علاوه بر این، سطح اجرای مقررات حاکمیت شرکتی در ایران ممکن است متفاوت باشد و بر ثبات و قابلیت اطمینان داده‌ها تأثیر بگذارد. در دسترس بودن و کیفیت داده‌های مالی و حاکمیت شرکتی در ایران ممکن است چالش‌هایی ایجاد کند. شرکت‌های ایرانی ممکن است به اندازه شرکت‌های موجود در بازارهای توسعه‌یافته‌تر از شفافیت و شیوه‌های افشا برخوردار نباشند. دسترسی محدود به داده‌های جامع و قابل اعتماد در مورد ترکیب کمیته حسابرسی، شیوه‌های حاکمیتی، و نمونه‌هایی از مدیریت سود واقعی می‌تواند بر دقت و استحکام یافته‌های تحقیق تأثیر بگذارد. علاوه بر این، عوامل فرهنگی ممکن است بر رفتار گزارش‌دهی شرکت‌ها تأثیر بگذارد و منجر به سوگیری‌های بالقوه در داده‌های جمع‌آوری شده شود. محیط اقتصادی ایران که با عواملی مانند تحریم‌ها، تورم و بی‌ثباتی سیاسی مشخص می‌شود، می‌تواند بر رفتار شرکت‌ها و شیوه‌های گزارشگری مالی تأثیر بگذارد. این شرایط منحصر به فرد اقتصادی ممکن است بر انگیزه‌ها و فرصت‌های مدیریت سود تأثیر بگذارد و جداسازی تأثیر کمیته‌های حسابرسی و ساختارهای حاکمیت شرکتی را دشوار کند. چشم‌انداز ناپایدار اقتصادی همچنین می‌تواند بر عملکرد و اثربخشی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، از جمله کمیته‌های حسابرسی تأثیر بگذارد. این مطالعه بر روی ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تمرکز دارد که ممکن است به طور کامل نشان دهنده تنوع شرکت‌های فعال در ایران نباشد. حجم نمونه، اگرچه قابل توجه است، اما ممکن است تمام تغییرات در شیوه‌های حاکمیت شرکتی و رفتار مدیریت سود در بخش‌ها و اندازه‌های مختلف شرکت را در بر نگیرد. علاوه بر این، ویژگی‌های خاص شرکت‌های فهرست‌شده در بورس اوراق بهادار ممکن است با ویژگی‌های شرکت‌های غیر بورسی یا خصوصی متفاوت باشد، که به طور بالقوه کاربرد گسترده‌تر نتایج را محدود می‌کند. اجرا و اثربخشی شیوه‌های حاکمیت شرکتی در ایران ممکن است با سایر مناطق متفاوت باشد. نگرش‌های فرهنگی نسبت به حکمرانی، نقش مالکیت خانواده، و نفوذ شرکت‌های دولتی همگی می‌توانند بر عملکرد کمیته‌های حسابرسی و سایر مکانیسم‌های حاکمیتی تأثیر بگذارند. این عوامل زمینه‌ای می‌توانند کاربرد یافته‌های تحقیق را در محیط‌های مختلف شرکتی و ساختارهای حاکمیتی محدود کنند، جایی که پویایی نظارت هیئت مدیره و گزارش‌گری مالی ممکن است متفاوت باشد.

منابع

- مداحی، آزاده و بولو، قاسم (۱۳۹۳). کمیته‌های حسابرسی، تهران: انتشارات بورس
- ابراهیمی، ابراهیم؛ جوانی، موسی؛ عظیمی، عابد؛ سعیدی، مصطفی (۱۳۹۳). راهنمای کاربردی کمیته حسابرسی، چاپ اول، انتشارات بورس
- رحمانی، علی و کدخدایی‌الیادرائی، مزده (۱۳۹۶). دانش حسابرسی تابستان - شماره ۶۷، ب (وزارت علوم/ISP) ۲۴ صفحه - از ۹۹ تا (۱۲۲)
- باقیان، فاطمه، حجازی، رضوان، و امام وردی، قدرت اله. (۱۳۹۹). ارائه مدل کیفیت حسابرسی بر اساس رویکرد رفتاری (تحلیل داده بنیان). دانش حسابرسی، ۲۰ (۷۹)، ۱۷۸-۲۰۰. SID. <https://sid.ir/paper/968126/fa>
- شمس‌الدینی، کاظم و نعمتی، میثم. (۱۴۰۰). بررسی رابطه پایداری مالکیت نهادی با مدیریت سود با لحاظ اهرم مالی شرکت. دانش حسابداری، ۱ (۴۷)، ۱۵۵-۱۷۷.
- حدادی کوهسار، محمد (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی. مشایخی، بیتا و شاکری، مهین (۱۴۰۱). راهبری شرکتی: مفاهیم و موردکاوی (چاپ دوم)، انتشارات بورس.
- نیکبخت، محمدرضا و احمدخان بیگی، مصطفی (۱۳۹۷). تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۳)، ۴۳۳-۴۵۵.
- آزاد، علی اصغر و پور زمانی، زهرا. (۱۴۰۱). تحلیل کارایی شرکت از دیدگاه ریسک و نظام راهبری: رویکرد هوش مصنوعی. مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. انجمن حسابداری مدیریت ایران. ۱۱ (۴)، ۳۴۷-۳۷۱
- فخاری، حسین و رجب دری، حسین و خانی ذلان، امیررضا (۱۳۹۷). مطالعه نقش ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با ارزیابی ریسک گزارشگری متقلبانه شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۲)، ۲۳۳-۲۵۰
- اخروی جوقان، ابوذر و رحیمیان، نظام‌الدین و قره‌داغی، مریم (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از دیدگاه اعضای کمیته حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۳)، ۳۲۶-۳۱۱
- امری، امید و شورورزی، محمدرضا و مسیح آبادی، ابوالقاسم و مهرآذین، علیرضا (۱۴۰۱). نقش کمیته حسابرسی بر رابطه بین کوتاه بینی و توانایی مدیریت و گزارش حسابرسی. مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. انجمن حسابداری مدیریت ایران. ۱۱ (۴)، ۱۵-۲۵.
- حساس یگانه، یحیی، و قنبریان، رضا. (۱۳۹۴). اثرات متقابل حاکمیت شرکتی و استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی. همایش ملی حاکمیت شرکتی. SID. <https://sid.ir/paper/842713/fa>
- شمس‌زاده، باقر، افلاطونی، عباس و نیکبخت، نادر (۱۳۹۵). ارزیابی توان بازار سرمایه در تشخیص مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری. فصلنامه حسابداری مالی، ۸ (۳۲)، ۳۳-۵۸.
- خوشکار، فرزین، شیبانی، علی آرش و خلج، زهرا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مدیریت سود بر تداوم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۳ (۲۴)، ۱۸-۳۴.
- جامعی، رضا و رستمیان، آزاده (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. دوره هشتم، شماره بیست و نهم، صص ۱-۱۷
- غیور، فرزاد، منصورفر، غلامرضا، علی اکبرلو، علیرضا (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت سود با نقش تعدیل‌گری بیش‌اطمینانی مدیریت، رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دامغان.
- باد آور نهندی، یونس و تقی‌زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۲). ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۲ (۳)، ۴۷-۷۹.

قدس مفیدی، اقبال (۱۳۹۸). بررسی تاثیر کمیته حسابرسی بر کاهش تحریفات مالی با تاکید بر تخصص حسابرس در صنعت. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۸(۲)، ۶۸-۸۴. https://www.jamv.ir/article_89745.html?lang=fa

معصومی، رسول و قربانی خارکشی، سمیه (۱۴۰۰). تأثیر رقابت صنعت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. پژوهش نامه مدیریت و مهندسی صنایع، ۶(۸)، ۲۱-۸.

The Sarbanes-Oxley Act of 2002. U.S. House of Representatives (SOX). Public Law 107-204 [H. R. 3763]. Washington, DC: Government Printing Office.

Higgs, D. (2003). Review of the role and effectiveness of nonexecutive directors. www.dti.gov.uk/cld/non_execs_reviewi.

Almutairi, A. R., & Quttainah, M. A. (2019). Corporate governance and accounting conservatism in Islamic banks. *Thunderbird International Business Review*, 61 (5), 745-764.

Ismail, S., Alaqrabawi, M., Ahmad, S., Ghaidan, E., & Mahmoud, M. (2022, May). The Essential Concept of Audit Quality and Earnings Management: A Conceptual Literature Review. In *European, Asian, Middle Eastern, North African Conference on Management & Information Systems* (pp. 553-561). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-031-17746-0_43

Alkebeese, R. H., Tian, G., Garefalakis, A., Koutoupis, A., & Kyriakogkonas, P. (2022). Audit committee independence and financial expertise and earnings management: evidence from China. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 16(2), 176-194. <https://doi.org/10.1504/IJBGE.2022.121928>

Roychowdhury, S., 2006, Earnings management through real activities manipulation, *Journal of accounting and economics*, Vol.42, pp: 335-370.

Tonay, C., & Sutrisno, P. (2020). Are Corporate Governance Mechanisms, Corporate Strategy and Corporate Financial Characteristics Related to Earnings Management?. *J. Fin. Bank. Review*, 5(2), 48 – 57.

Mihret, D. G. (2014). How can we explain internal auditing? The inadequacy of agency theory and a labor process alternative. *Critical perspectives on accounting*, 25(8), 771-782. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2014.01.003>

Raimo, N., Vitolla, F., Marrone, A., & Rubino, M. (2021). Do audit committee attributes influence integrated reporting quality? An agency theory viewpoint. *Business Strategy and the Environment*, 30(1), 522-534. <https://doi.org/10.1002/bse.2635>

Changwony, M. K., & Rotich, G. (2015). Role of internal audit function in promoting effective corporate governance of commercial banks in Kenya. *International Journal of Business and Law Research*, 3, 15-33.

Sanad, Z., Shiwakoti, R., & Al-Sartawi, A. (2022). Gender diversity on corporate boards and earnings management: a review. *Artificial Intelligence for Sustainable Finance and Sustainable Technology: Proceedings of ICGER 2021* 1, 340-351. https://doi.org/10.1007/978-3-030-93464-4_34

Hajiha, V., & Adeleh, A., (2018). Audit committee characteristics and comparability of financial statements with an emphasis on the size of the audit firm and corporate governance. *Knowledge of financial accounting*, volume (6), number (3), pp. 117-95.

Herusetya, A., & Suryadinata, M. (2022). "Business strategy typologies: do the board of commissioners and audit committee concern about prospector-type strategies?", *Asian Journal of Accounting Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/AJAR-10-2021-0188>.

Bazrafshan, A. (2015). The impact of audit committee quality on achieving the goals of internal controls governing financial reporting. *Scientific research quarterly, financial accounting empirical studies*, year (13), number (52), pp. 171-196.

- Barzegar, Ebrahimi & Jamil, (2021). The moderating effect of corporate governance on the relationship between social capital and cash dividend policies. *Knowledge of financial accounting*. Volume (8), number (1), pp. 93-120.
- Valizadeh Larijani, A., & Khodayi, M. (2020). The moderating effect of internal auditor performance quality on the relationship between corporate governance quality and company performance. *Financial Accounting and Audit Research*, No. 52, pp. 1-22.
- Kaoje, A. N., Alkali, M. Y., & Moddibo, A. (2023). The effect of audit committee characteristics on earnings management in Nigerian listed firms. *Technology audit and production reserves*.
- Quynh Nguyen - Maria H. Kim - Searat Ali b (2023). Corporate governance and earnings management: Evidence from Vietnamese listed firms *International Review of Economics & Finance*, Flinders University, Australia
- Gupta, P., & Chauhan, S. (2023). Dynamics of corporate governance mechanisms family firms' performance relationship-a meta-analytic review. *Journal of Business Research*, 154
- Khuong, N. V., Abdul Rahman, A. A., Thuan, P. Q., Liem, N. T., Anh, L. H. T., Thuy, C. T. M., & Ly, H. T. N. (2022). Earnings Management, Board Composition and Earnings Persistence in Emerging Market. *Sustainability*, 14(3), 1061. <https://doi.org/10.3390/su14031061>
- Hassan.sh., Aksar, M., Khan, S., Ahmed, T., Zahoor, M. (2023). Impact of audit quality on real earnings management: moderating role of corporate governance. *Reviews of Management Sciences*, 5(1):1-12.
- Drogalas, G., Nerantzidis, M., Mitskinis, D., & Tampakoudis, I. (2021), The relationship between audit fees and audit committee characteristics: evidence from the Athens Stock Exchange. *International Journal of Disclosure and Governance*, 18(1): 24-41.
- El Diri. M, Lambrinouidakis. C, Alhadabc. M., (2020). Corporate governance and earnings management in concentrated markets. *Journal of Business Research*. Vol. 108,: 291-306. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.11.013>
- Setiawan, D., Phua, L.K., Chee, H.K. and Trinugroho, I. (2020) 'The effect of audit committee characteristics on earnings management: the case of Indonesia', *Afro-Asian J. Finance and Accounting*, Vol. 10, No. 4, pp.447-463.
- Nithya Ramachandran, Saeed Khalfan Al-Muqaimi, Nasser Rashid Al-Hajri. (2022). Characteristics of Audit Committee and Banking Sector Performance in Oman. *The Journal of Corporate Governance, Insurance, and Risk Management (JCGIRM)*. 1 (12), 263-273.
- Nazir, M.S. & Afza, T. (2018). Does managerial behavior of managing earnings mitigate the relationship between corporate governance and firm value? Evidence from an emerging market. *Future Business Journal*, 4(1), p. 139-156.
- Inaam ZGARNI Khmoussi HLIQUI Fatma ZEHRI, (2016), "Effective audit committee, audit quality and earnings management: Evidence From Tunisia", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 6 Iss 2.
- Chen, F., Hope, O. K., Li, Q., & Wang, X. (2011). Financial reporting quality and investment efficiency of private firms in emerging markets. *The Accounting Review*, 86(4), 1255-1288.
- Hutton, A. P., Marcus, A. J. & Tehranian, H. (2009). "Opaque financial reports, r 2 , & crash risk". *Journal of Financial Economics*, 94(1), pp, 67-86.
- Jin, L. and Myers, S.C, (2006), "R2 around the World: New Theory and New Tests", *Journal of Financial Economics*, Vol. 79 No. 2, PP. 257-292.
- Madahi , Azadeh and Bolo ,Qasim (2013) *Audit Committees*, Tehran: Bors Ebrahimi Publications, Ebrahimi, ebrahim, Javani, Musa , Azimi, Abed ,Saeedi, Mostafa (2013) *Audit Committee Application Guide The first, edition Burs*

- Rahmani, Ali and Kodkhodaei Elyadarani Mojdeh publications (2016), summer audit knowledge - number 67, Ministry of Science / ISP (24 pages - from 99 to 122)
- Baghian, Fatemeh Hejazi, Rizvan and Imam Vardi Qadrat Elah (2019) Presenting the audit quality model based on the approach SID. <https://sid.ir/paper/968126/fa> (79), 178-200 (20)
- Behavioral Data Analysis, Auditing Knowledge Base Shams al-Dini, Kazem and Nemati Maitham (1400) Investigating the relationship between the sustainability of institutional ownership and profit management in terms of leverage I financial knowledge company, accounting, 1(47), 155-177. Haddadi Kohsar ,Mohammad (1402) investigating the relationship between corporate governance mechanisms on profit quality and profit management In the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, the 11th International Conference on Accounting Management and Development economic Meshaikehi, Bita and Shakri Mohin (1401) Corporate governance, concepts and case studies, second edition, Bors Publications
- Nikbakht Mohammadreza and Ahmad Khan, Bigi Mustafa (2017) The effect of corporate governance on the quality of financial reporting. *Integrated Accounting and Auditing Reviews*, 25 (3), 433-455. Azad, Ali Asghar and Pour, Zamani Zahra (1401) Analyzing the company's efficiency from the perspective of risk and management system of intelligence approach *Artificial Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge of the Management Accounting Association of Iran* 11 (4), 347-371
- Fakhari , Hossein and Rajab Dari Hossein and Khani, Zelan Amirreza (2017) Studying the role of social and professional communication of members of the audit committee with the assessment of the risk of fraudulent reporting of the accounting and auditing review company 25(2) 233-250 .
- Akhrafi Joghhan, Abuzar and Rahimian Nizamuddin and Qaradaghi, Maryam (2017) Factors affecting the effectiveness of internal audit. From the point of view of the audit committee members, *Accounting and Auditing Reviews*, 25(3), 326-311.
- Amri Omid and Shurvarzi Mohammadreza and Masihabadi Abulqasem and Mehr Azin, Alireza (1401), the role of the audit committee on The relationship between short-sightedness and management ability and the auditor's report of the *Journal of Management Accounting and Auditing Iranian Management Accounting* 11(4), 15-25.
- Hasseh Yeganeh Yahya and Ghanbarian Reza (2014) mutual effects of corporate governance and financial reporting standards between SID. <https://sid.ir/paper/842713/fa> International National Corporate Governance Conference
- Shamszadeh, Baqer, Platoni, Abbas and Nikbakht Nader (2015) Evaluation of capital market ability in diagnosing profit management. *Real and accounting profit management, Financial Accounting Quarterly*, 328) 58-33.
- Khushkar Farzin Shibani Ali Arash and Khalj, Zahra (2018) Investigating the effect of profit management on the continuity of profits of companies Accepted in Tehran Stock Exchange, *New Research Approaches in Management and Accounting*, 3(24), 18-34
- Shamszadeh ,Baqer, Platoni Abbas and Nikbakht Nader (2015) Evaluation of capital market ability in diagnosing profit management. *Real and accounting profit management Quarterly Journal of Financial Accounting* (328) 33-58.
- Khoshkar, Farzin, Shibani, Ali Arash and Khalaj Zahra (2018) Investigating the effect of profit management on the sustainability of companies' profits. Accepted in Tehran Stock Exchange, *New Research Approaches in Management and Accounting*, 3(24), 18-34.
- Jamei Reza and Rostamian Azadeh (2015) The effect of financial expertise of audit committee members on forecast profit characteristics done *Journal of Financial Accounting and Audit Research*, Volume 8, Number 29, pp. 1-17
- Ghayor, Farzad Mansour Far, Gholamreza Ali Akbarlou, Alireza (1400) Investigating the relationship between audit committee characteristics and Profit quality with the moderating

role of management overconfidence in the structural equation modeling approach of the second international conference International challenges and new solutions in industrial engineering and Damghan management and accounting

- Badavor Nahandi ,Younes and Taghizadeh, Khanqaeh, Vahid (2012) The relationship between audit quality and artificial and real management. profit Applied research in financial reporting, 2(3), 47-79 I Quds Mofidi, Iqbal (2018) Investigating the impact of the audit committee on reducing financial distortions with an emphasis on the auditor's expertise https://www.jamv.ir/article_89745.html?lang=fa In the perspective of accounting and management industry, 28), 68-84
- Masoumi Rasool and Ghorbani Kharkshi, Samia (1400) The effect of industry competition on the relationship between corporate governance and management profit Industrial Engineering and Management Research Journal (6(8) 21-80).

